اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت هفتاد و یک)

آخر الزمان (قسمت ۹)

دفع کردن دیوها (بخش ۵)

زمانی که از بهشت به کره زمین در منظومه شمسی تبعید شدیم، پوششها و لباسهایمان را از دست دادیم و حالا مجبوریم که از امکانات و برگهای زمین استفاده کنیم تا نیازها و عیبهای خود را بپوشانیم. پوشش دادن این نیازها و عیوب، بسته به شرایط فکری ای دارد که در آن بسر می بریم. اگر طبق نظام رحمانی زندگی کنیم، می توانیم با کمترین ابزار و امکانات مقدر شده و نازل شده ، زندگی دنیوی را طی کنیم. اما اگر طبق نظام رحمانی زندگی نکنیم، زندگی دنیوی بر ما مشکل میشود و امکانات مقدر

شده و نازل شده، کافی و جوابگو نخواهد بود. در نظام رحمانی، اسراف و افراط و تفریط نیست. در نظام رحمانی، فقط خوردنیهایی حرام است که خدا حرام کرده است و کسی بجز خدا، حق حرام کردن چیزی را ندارد. در نظام رحمانی لباس و پوشش و ابزاری وجود دارد که در هیچ نظام دیگری وجود ندارد. این ابزار تقوا است و با این ابزار میتوان براحتی زندگی دنیوی را سپری کرد. تقوا طریق بکارگیری این پوشش ها و نیازها را برای ما مشخص میکند. اگر تقوا نداشته باشید، حتی اگر میلیاردر هم باشید، نمی توانید در زمین از چیزی (واقعا) لذت ببرید. تقوا زندگی ما در زمین را خیلی خیلی راحت تر و بی دغدغه تر میکند.

بدست آوردن آرامش ، هدف زندگی هر فردی است. اما نظام شیطان، راههای غلطی را معرفی میکند. مدیتیشن و یوگا راههای شیطان هستند که قربانیان را از نظام رحمانی خارج میکند. این حرکات یک نوع مخدر روانی هستند که به اسم ورزش خود را معرفی کرده اند. بعضی افراد مدیتیشن و آلفا را به مثبت و منفی تقسیم بندی میکنند و فکر میکنند که یک نماز خوب آگاهانه و یا قرآن با توجه و حضور دل انسان را می برد به آلفای مثبت و نوشیدن مشروب و قرص روان گردان و یا هر معصیتی انسان را می برد به آلفای منفی؛ به این طریق آلفا را به مثبت و منفی تقسیم بندی میکنند.

خدای مهربان در قرآن فرموده است که در حالت سکرات نماز بجا نیاورید و حتی نزدیکش نشوید (لَا تَقْرَبُوا الصَّلَوٰةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ**). سکاری یعنی حالتی از ذهن که رشته ذهنی شما بجای دیگری غیر از خدا وصل است. حتی کسانی که مشروب الکلی می**

نوشند، ادعا دارند که وارد مستی نمیشوند و کاملا از هر چیزی آگاهند. بنابراین مدیتیشن و آلفای مثبت نداریم. ما در برهه ای از زمانها ناخواسته وارد آلفا میشویم. انسانها در طول زندگی خویش در حالتهای مختلفی ناخواسته وارد آلفا میشوند؛ اولی چند دقیقه قبل از خواب و دیگری چند دقیقه بعد از بیداری و همچنین در لحظات مرگ. به همین خاطر خدا می فرماید که آغاز و پایان روز خود را با نام و یاد خدا شروع و خاتمه دهید.

سوره انسان آیه ۲۵ : وَاذکُرِ اسمَ رَبِّکَ بُکرَةً وَأَصیلًا

ترجمه: و خدا را در اول صبح و آخر شب یاد کن.

در لحظات آخر زندگی هم افراد در حالت آلفا قرار می گیرند . حتی در این حالت شیاطین سعی دارند که افراد در حال مرگ را منحرف کنند و در آخرین لحظه زندگی هم دست بردار نیستند .

سوره قاف آیه ۱۹: وَجاءَت سَکرَةُ المَوتِ بِالحَقِّ ذٰلِکَ ما کُنتَ مِنهُ تَحیدُ

ترجمه: سرانجام، سکرات اجتناب ناپذیر مرگ فرا می رسد؛ این همان است که سعی می کردی از آن بگریزی.

دلیل علمی این مطلب این است که چون در حالت بیداری انسان در بتا است و برای اینکه بخوابد باید فرکانس مغزی اش کاهش پیدا کند و به دلتا برود ولی برای رسیدن به دلتا باید از تتا و آلفا بگذرد تا به فرکانس مغز دلتا برسد. و یا برعکس وقتی بیدار

میشود باید از دلتا به بتا برسد برای همین باید از مسیر فرکانس تتا و آلفا بگذرد تا به بتا برسد. کسانی که بیشتر وقت خویش را در آلفا هستند، در تعادل نخواهند بود. بمرور دچار کم خوابی و یا پرخوابی و انواع مشکلات دیگر خواهند شد.

به آلفا رفتن افراد ناخواسته است و خدای رحمان در برهه ای از زمانها در طول شبانه روز، چنین انسانها را تحت آزمایش قرار میدهد و البته روش مقابله با آن را هم گفته است و نصیحتهایی را برای عبور از این بحران ذکر فرموده است. خدا خیلی ساده دستور می دهد که در حالت آلفا نماز و عبادت بجا نیاورید . یعنی در حالتی که مغز انسان فعالیتش کم میشود و بیشتر احساسات و عواطف و توهمات غالب است، نباید نماز بجا آورد. نماز باید در حالت خود آگاهی انجام شود و نه در حالت ناخودآگاهی. با انجام مدیتیشن و قرار گرفتن در سطح امواج مغزی آلفا، تعداد ضربان قلب، مصرف اکسیژن توسط سلول های بدن و دفع دی اکسید کربن کاهش می یابد، متابولیسم بدن آهسته تر می شود و فعالیت سیستم عصبی سمپاتیک نیز کاهش می یابد. کاهش مصرف اکسیژن در حالی که فرد در سطح آلفاست و در عین حال مشغول دیدن مثلا فیلم سینمایی است؛ باعث ضررات جبران ناپذیری به بدن میشود و گاها بیشتر بیماریها از همین نقطه ها ناشی میشوند. مهمترین علت سردی مداوم بدن ناشی از در آلفا بودن است. انسان در آلفا باشد ولی کارهای حالت بیداری انجام دهد؛ در این حالت با توجه مصرف کمتر اکسیژن، ضررات زیادی به اعضاء بدن وارد میشود.

در نظام رحمانی، خدا خیلی ساده ما را راهنمایی میکند و انجام کارهای ساده و معمولی باعث آرامش میشود و نیازی به یوگا و مدیتیشن و به آلفا رفتن نیست. کره ماه نور

بسیار کمتری نسبت به خورشید دارد، بنابراین وقتی کره ماه در آسمان ظاهر میشود، یعنی مردم وقت خوابتان است. وقتی آفتاب ظاهر میشود، یعنی وقت بیدار شدن است و دیگر خواب ضروری نیست و زمان تلاش و کوشش است. اما وقتی مردم تا ساعت یک و دو شب نمی خوابند، این ساده ترین تخلف است نسبت به دستور خدای رحمان. در این تخلف ، شیاطین دست دارند و اگر این تخلف ساده ، بارها تکرار شود و به یک عادت تبدیل شود، بعد از مدتی شیاطین در این مورد دخالت میکنند و افراد را زیر چتر خود میاورند. بدون رعایت این دستور ساده خدای رحمان، نمیتوان آرامش بدست آورد.

وقتی افراد نماز بجا نمی آورند و عباداتی که خدا توصیه فرموده است را پشت گوش می اندازند، جذب مدیتیشن و قانون راز و چشم سوم میشوند. زیرا بشر مثل غذا خوردن، به معنویت نیاز دارد و اگر این معنویت را از خدای رحمان نگیرد، از غیر او می گیرد؛ حالت سومی وجود ندارد. قوانین رحمانی پوشاننده هستند. قوانین خدای رحمان عیبها و نقصها و نیازهای ما را در کره زمین می پوشانند و برآورده می کنند. اما قوانینی غیر از این، عیبها و نقصها و نیازهای ما را پوشش نمی دهند و برعکس انسانها را تشنه تر و حریص تر و بی آبروتر میکنند.

در سال ۱۹۹۹ در دانشگاه ایروین کالیفرنیا مطالعه و تحقیقی انجام شد که شرکت کنندگان در آن به مدت مشخصی مشغول مدیتیشن شدند و بعد از انجام مدیتیشن، طبق نتایج مطالعه؛ آنها آگاهی بیشتری نسبت به خصوصیات منفی خودشان پیدا کرده

بودند. به قول دیگر، آنها پوششهایی که داشتند را از دست داده بودند. انگار از موقعیت قبلی به موقعیت جدید هبوط داده شده اند مثل هبوط از بهشت به کره زمین.

این نکته بسیار مهم است. کسانی که در این آزمایش شرکت کرده بودند، آگاهی و اطلاع بیشتری نسبت به عیبها و نقصها و ویژگیهای منفی خویش پیدا کرده بودند. به این طریق مدیتیشن، عیبها و نیازها و نقصهای افراد را نمی پوشاند و بیشتر آشکار میکند. در حالی که خدای مهربان وقتی ما را به زمین تبعید نمود، اینطوری مقرر فرمود که ما بتوانیم طبق نظام رحمانی، نیازهای خود را پوشش دهیم و براحتی بتوانیم زندگی دنیوی را طی کنیم. در حالت مدیتیشن، دیگر ابزارهای رحمانی پوشاننده نیستند و افراد مجبورند که از ابزارهای غیر رحمانی برای پوشش نیازها و عیبهای خود استفاده کنند.

در یک تحقیق دیگر در سال ۲۰۱۷، شرکت کنندگان در مدیتیشن، گفتند که بعد از مدیتیشن، تصویر و حضور شخصی خودشان را از دست داده اند و مرز بین خود و جهان پیرامونشان را از دست داده اند و برایشان مبهم شده است. به این طریق آنان واقعیت و ماهیت خودشان را از دست داده اند و اصالت خودشان را به فراموشی سپرده اند. اگر این مورد مداوم و ادامه دار باشد، آدمی خودش را گم میکند و اصل و نسب خود را فراموش میکند و دچار تکبر و افراط و تفریط خواهد شد.

اگر انسان موقعیت جسمی و مادی و سنی خویش را همیشه بیاد نداشته باشد، به احتمال خیلی زیاد، دچار توهمات و احساسات دروغین میشود و این خودش نوعی

پندار منحرف و غلط است. توهمات و احساسات دروغین خوراک و تغذیه دیوهاست. شایسته است که آدمی هر از چند گاهی، بدون پیرایش و آرایش در آینه خود را ببیند و موی سفید شده و قیافه واقعی خویش را یاد آورد تا متوجه تغییرات خویش شود و ناخواسته وارد توهمات و خود جوان انگاری نشود. خود جوان انگاری و خود مقدس انگاری و خود دیگر انگاری نوعی پندار غلط است. پندار غلط خوراک و تغذیه شیاطین است. خیلی ها هم با اعمال جراحیهای متعدد و خود را شبیه دیگران کردن میخواهند همچنان در این پندار غلط بمانند.

از بدو تولد هر انسانی یک همزاد شیطانی همیشه با او هست که نماینده ایده ها و تفکرات شیطانی است. ما فقط با پندار نیک می توانیم، موقعیت و جبهه خود را به او بفهمانیم. اگر پندار ما نیک باشد، او از ما فاصله می گیرد و کمتر دردسر برای ما درست میشود. به همین خاطر ریاکاری بسیار خطرناک است. ریاکاری یعنی پندار بد و کردار خوب و یا گفتار خوب. در این حالت، همزاد شیطانی ما، جذب افراد میشود، زیرا او فقط پندار ما را متوجه خواهد شد. ممکن است که شما بتوانید، همسرتان و یا دوستانت را با کردار و گفتار خوب ظاهری فریب دهید، ولی همزاد شیطانی خود را نمی توانید فریب دهید؛ زیرا او پندار شما را متوجه شده است.

مدیتیشن، افراد را دچار خود دگر بینی میکند و همین خودش پایه و اساس اعمال جراحی های زیبایی و غیر ضروری و تغییر جنسیتها است. نماز برخلاف مدیتیشن است و صفات بندگی را به ما یادآور میشود و آدمی خودش را گم نمی کند. باز شدن

چشم سوم، یکی از انواع مدیتیشن است که باعث میشود افراد بیشتر به عیوب خویش و دیگران حساس شوند و در آن حالت به فکر می افتند که فکری برای خویش بکنند و به فکر اعمال جراحی زیبایی و جذب مادیات میشوند. مدیتیشن دقیقا مخالف نماز است و به این طریق ضد تقوا هم است.

در تورات ، از دجالی صحبت شده است که یک چشم دارد و در نزدیکی قیامت ظاهر میشود. حالا پی می بریم که این دجال همان چشم سوم است که در مدیتیشن، افراد سعی دارند آن را فعال کنند. وقتی چشم سوم باز باشد ، دیگر زوجین به همدیگر راضی نخواهند بود و از چشم هم می افتند، زیرا آنها با چشم سوم همدیگر را می بینند و نه با دو چشمی که خدا خلق فرموده است. خدا دو چشم به ما داده است و نه یک چشم.

أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ ﴿٨﴾
آیا دو چشمش نداده ایم (٨)

وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ ﴿٩﴾
و زبانی و دو لب (٩)

وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ ﴿١٠﴾
و هر دو راه [خیر و شر] را بدو نمودیم (١٠)

کسانی که چشم سومشان باز است، بیشتر مواقع کلمات ذکر شده به زبان مادری خویش را به روش جنسی و غیر معمول معنا میکنند و همزمان به همدیگر می خندند. منحرف کردن معانی کلمات از نشانه های باز شدن چشم سوم و گوش سوم و لسان دوم است. شیطان برای قربانیانش چشم و گوش و لسان دیگری در کنار آفریده های خدا بطور مجازی تعریف میکند.

بیشتر افراد گوشهایشان را می بندند تا با واقعیت مواجه نشوند، آنها فقط گوش سوم را بکار می برند تا آن چیزی را بشنوند که دوست دارند. گاهی افراد در یک گفتگوی طولانی، فقط حرفهایی را میشنوند که دلشان می خواهد. فلسفه مدیتیشن هم همین است. مدیتیشن تقویت این حالت است. مدیتیشن یک نوع مستی است که افراد از ترس روبرو شدن با واقعیت ، به آن روی می آورند. مدیتیشن تلاشی است برای بکار گیری چشم سوم و گوش سوم و لسان دوم. به نظر شما برای چی افراد رو به مدیتیشن و حالت آلفا می آورند؟ آنها ساعتها بی حرکت می نشینند تا حسهای دیگری پیدا کنند و آن حسهای جدید برایشان باز شود. آنها می خواهند چشم دیگری پیدا کنند و دو چشمی که خدا بهشان داده است را استفاده ننمایند.

خدای بخشنده و مهربان دو لب به ما داده است (وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ). **در تمام حروف عربی، فقط دو حرف "ب" و "م" با لبها تلفظ میشوند. جالب است که تعداد این دو حرف در سوره فاتحه ۱۹ عدد است. فاتحه سوره ای است که ما در نمازها آن را به عربی می خوانیم و این تعداد خودش نوعی نماد برای حفظ سیستم رحمانی است و اتحادی**

است بین تمام مومنان. زیرا تمام لهجه ها و زبانها، این دو حرف را مثل هم تلفظ میکنند زیرا با لبها تلفظ میشوند و نه با زبان.

مردم وقتی از چشم سوم و گوش سوم و یا لسان دوم استفاده کنند، دیگر زبان هم دیگر را متوجه نخواهند شد و صافی و صداقت و سادگی خود را از بین می برند. این یک نوع جادوست. در زمان قدیم، در بابل مردم دچار این نوع سحر شده بودند و دو فرشته هاروت و ماروت برای از بین بردن این جادوها میان مردم آمدند. هم اکنون با گسترش مدیتیشن و چشم سوم و گوش سوم، مردم دیگر همدیگر را درک نمی کنند و ازواج با همدیگر نمی توانند تفاهم داشته باشند. پدیدار شدن عدم تفاهم بین دو زوج یک نوع سحر است.

طبق گفته تورات مردم در تمدن بابل قدیم با ساختن یک برج بلند به خیال خود میخواستند به دروازه های خدا و یا دروازه های بهشت دست یابند. در تورات سِفر پیدایش آمده است، آدمیان در ابتدا همگی به یک زبان سخن می‌گفتند تا اینکه در شهر بابل شروع به ساخت برج بسیار بلندی کردند تا از آنجا به دروازه بهشت برسند. **دست یافتن به دروازه های خدا و یا دروازه های بهشت و یا دروازه های خوشبختی همان اهداف مدیتیشن است. اما طریقه مدیتیشن در آن زمان با زمان ما فرق داشت. در آن زمان، شیاطین بصورت دیو از یک مکان بلند و مرتفع وارد دنیای انسانها میشدند. در آن زمان شیاطین بصورت دیو و جسمانی وارد دنیای انسانها میشدند و به همین خاطر خدای مهربان برای راهنمایی و کمک مردم و نجات آنان از دست سحر دیوها،**

فرشتگان را بصورت جسمانی برای آن جامعه فرستاد. حضور جسمانی فرشتگان در مقابل حضور جسمانی شیاطین. اما در زمان ما دیوها بصورت جسمانی نیستند، بلکه بصورت مغناطیسی هستند و بنابراین طریقه مدیتیشن هم متفاوت است. مردم در بابل پس از گرایش به چشم سوم و گوش سوم و لسان دوم، بعلت عدم درک یکدیگر ، نتوانستند کاری را که شروع کرده بودند کامل کنند. مردم چشم سوم و گوش سوم و لسان دوم را انتخاب کردند،زیرا دریچه ارتباط با شیاطین این روش بود؛ شیاطین این روشها را بلد بودند. این برج کامل نشد و در نهایت فروریخت. آنها می خواستند به قدرتهای خدایی برسند. اما خدا برای زمین طرح دیگری ریخته بود. حادثه فروریختن برج بابل توسط خدای رحمان صورت پذیرفت، زیرا رحمانیت خدا را هدف قرار داده بود. خدا برای نجات بشریت، برج بابل را نابود کرد. کسانی که برج بابل را درست کردند، فکر میکردند با ساخت این برج، از طوفانی مثل طوفان نوح در امان خواهند بود. این کوته فکری است که کسی بتواند از دست خدا فرار کند.

برج بابل نوعی بلند پروازی بود برای دور زدن رحمانیت خدا. مدیتیشن در حال حاضر به سبکهای مختلفی بین مردم رایج است. غرق شدن در فیلمها و کلیپها و شوها و غرق شدن در استایل زندگی مرفهین و سلبریتی ها، همگی نوعی بلند پروازی است برای رسیدن به دروازه های خوشبختی. این سبک زندگی کردن همان برج بابل است که به سبک دیگری ساخته شده است. اگر توجه کنید، بیشتر مردم همیشه سرشان توی گوشی است و خود را با آن مشغول میکنند و مثل یک دوست برای آنها عمل میکنند.

دیگر انسانها مثل سابق، دو دست ندارند. بلکه یک دستشان یک گوشی را حمل میکند و فقط یکی از دو دست انسان کاربرد واقعی دارد و یکی دیگر همیشه مشغول است. آیا خدا به ما دو دست نداده است؟ دیگر انسانها دو چشم ندارند و دو گوش ندارند. هر کسی را می بینید، یک هد فون توی گوشش است و سرش توی گوشی است. این فرد از چشمان و گوشهایش در دنیای واقعی استفاده نمی کند و در یک دنیای دیگری به سر می برد و از چشم سوم و گوش سوم بهره می برد. یا در یک مهمانی، همه سرشان توی گوشیه و کسی با کسی دیگر حرف نمی زند؛ انگار حرفهای همدیگر را متوجه نمیشوند. این شرایط حتی شیوه راه رفتن مردم روی زمین را هم عوض کرده است ، طوریکه انگار کج راه میروند. تمام این مشکلات به نوعی تغییر در خلقت خداست (فَلَيُغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ**).**

وَلَأُضِلَّنَّهُمْ وَلَأُمَنِّيَنَّهُمْ وَلَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُبَتِّكُنَّ آذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا ﴿۱۱۹﴾

و آنان را سخت گمراه و دچار آرزوهای دور و دراز خواهم کرد و وادارشان می کنم تا گوشهای دامها را شکاف دهند و وادارشان می کنم تا آفریده خدا را دگرگون سازند و[لی] هر کس به جای خدا شیطان را دوست [خدا] گیرد قطعا دستخوش زیان آشکاری شده است (۱۱۹)

يَعِدُهُمْ وَيُمَنِّيهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا ﴿۱۲۰﴾

[آری] شیطان به آنان وعده می دهد و ایشان را در آرزوها می افکند و جز فریب به آنان وعده نمی دهد (۱۲۰)

أُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا ﴿۱۲۱﴾

آنان جایگاهشان جهنم است و از آن راه گریزی ندارند (۱۲۱)

خدا دو چشم به ما داده است تا به وسیله آن ببینیم؛ اما شیطان یک چشم سوم برای افراد تعریف میکند تا آنها طور دیگری همه چیز را ببینند. شعرا ناخودآگاه برای چشم سوم تبلیغ میکنند.

هر دو چشمش که باز است
باز افتاده در چاه
چشم سوم نیاز است

شاعر توجه نمی کند که فردی که هر دو چشمش باز است و در چاه افتاده است، بخاطر این است که چشم سومش باز است. چشم سوم در نظام رحمانی کارایی ندارد. بلکه شما را به نظام شیطانی متصل میکند. یا اینکه شاعر از زبان چشم سوم صحبت میکند که زبان و حالت بخصوصی است که با او حرف میزند و دیگران را از خود بیخود میکند.

ناز نشسته با طرب،
چهره به چهره،لب به لب
گوشهٔ چشم مست تو ،

یا مولوی خیلی خوب چشم سوم را وصف میکند و می گوید:

آن‌چه بینی، دلت همان خواهد
وآن‌چه خواهد دلت، همان بینی

یا شاعر دیگری می گوید:

پنجره٬فکر٬هوا٬عشق
زمین مال من است
چشمها را باید شست
جور دیگر باید دید
چترها را باید بست
زیر باران باید رفت

شعرا اصرار دارند که مردم را به چشم سوم مشغول کنند تا اینکه در آیات و نشانه های خدا تعمق و تفکر نکنند. شاعر در شعر زیر می گوید که خیره شدن در چشمان یار ، شبیه لذت شمردن ستاره ها در یک شب صحرایی است.

هنوز خیره شدن

در چشمان تو

شبیه لذت بردن

ازشمردن ستاره

در یک شب صحراییست

اصولا مبنای کار شعرا همین باز کردن چشم سوم است. آنها از نظام رحمانی ناراضیند و دلشان یک نظام دیگر می خواهد تا طبق هوای آنان باشد. البته توجه نمی کنند که چشم سوم دنیا را برای افراد تنگ میکند و انگار یک عینک است که واقعیات را نمی بینند و هر انچه که دلشان بخواهد می بینند. این همان تعریف دجال است که تعیین میکند افراد در دنیا، چی را چطوری ببینند و چی را چطوری نبینند. فقط تمرینات مدیتیشن و یوگا نیست که چشم سوم را باز میکند؛ بلکه غرق شدن در فیلمها و کلیپها و اشعار و آهنگها هم نوعی مدیتیشن است و بیشتر موارد باز شدن چشم سوم مربوط به اینها هستند. شاید تعداد کمی از مردم ، مشغول حرکات رسمی و کلاسیک مدیتیشن و یوگا باشند؛ اما بیشتر مردم در فیلمها و کلیپها و اشعار و آهنگها غرق شده اند و این نوع از مدیتیشن در جهان رواج بیشتری دارد. همینکه مردم تا ساعت دو شب مشغول و غرق در سریالها و فیلمها و شوها هستند؛ این خودش یک نوع مدیتیشن است.

عشق یک مفهوم خیالی و یک فلسفه شیطانی است. یک عاشق، ظرفش را میشکنند، ولی او با چشم سوم این حادثه را می بیند و فکر میکند که شکننده ظرف عاشقش است! افراد کوته بین، از این نوع ارتباط بی ربط، متعجب میشوند و لذت می برند و آن را یک امر معنوی تفسیر میکنند. در چشم سوم ، جمع اضداد براحتی امکان پذیر است و اصلا باز شدن چشم سوم به همین خاطر است تا فحشا و منکر در دنیای واقعی توجیه شوند.

بعضی از مردم که انواع کلیپهای نامناسب را می بینند، حریص میشوند و طرز نگرششان نسبت به زندگی و همسرشان عوض میشود و همین طرز نگرش منفی، باعث به هم خوردن تعادل و توازن زندگیشان میشود و کارشان به جدایی می کشد. کسی که گناه میکند، نسبت به باز شدن چشم سوم حریص تر میشود و اتوماتیک به سمت باز شدن چشم سوم میرود و گمراه تر میشود. گاها افراد در این مسیر دچار انواع بیماریهای روانی مثل اسکیزوفرنی هم میشوند.

یکی از مضرات نماز خواندن در توهمات و خیالات، باز شدن چشم سوم است. به همین خاطر خدای مقدس در قرآن دستور می فرماید که در حالات توهمات، خیالات و سکاری نه تنها نماز بجا نیاورید بلکه حتی نزدیک نماز هم نشوید (لَا تَقْرَبُوا الصَّلَوٰةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ**). زیرا باز شدن چشم سوم آنقدر خطرناک است که بستن چشم سوم باز شده، شصت درجه از باز کردن آن مشکلتر است.**

تنها راه مقابله با باز شدن چشم سوم، تقواست. تقوا مخالف چشم سوم است وقتی چشم سوم باز شود، مثل این است که سیستم معنوی خود را (تقوا) خاموش کرده

باشید؛ مثل روت کردن نرم افزار گوشی است؛ مثل یک کامپیوتر بی آنتی ویروس و بی محافظ هستید که هر کسی میتواند هکتان کند. پیش بینی های الکی، قضاوت کردنهای الکی همگی از نتایج باز شدن چشم سوم هستند. به همین خاطر خدا می فرماید که از ظن و گمان پرهیز کنید که بسیاری از شک و گمانها، نابجا هستند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ ﴿۱۲﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید از بسیاری از گمانها بپرهیزید که پاره ای از گمانها گناه است و جاسوسی مکنید و بعضی از شما غیبت بعضی نکند آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده اش را بخورد از آن کراهت دارید [پس] از خدا بترسید که خدا توبه پذیر مهربان است (۱۲)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿۱۳﴾

ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست بی تردید خداوند دانای آگاه است (۱۳)